

گفت و گوی رادیو انقلاب
با دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی:
بادامچیان: غرب در مقابل ایران
عاجز است

تحریم رئیس شورای مرکزی
حزب مؤتلفه اسلامی
توسط اتحادیه اروپا



امام خامنه ای:

شاید این تعبیر درباره آنها درست باشد که بگوییم

نور الله فی ظلمات الارض

نگاهی به اجرای عملیات پدر توسط شهدای مؤتلفه اسلامی در مقابله با کاپیتولاسیون آمریکایی

تحریم شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی توسط اتحادیه اروپا



در فهرست اعلامی اتحادیه اروپا، سید مصطفی میرسلیم رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی و نماینده مردم تهران در مجلس و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد تحریم قرار گرفته است.

معاون سیاسی حزب مؤتلفه اسلامی در واکنش به تحریم میرسلیم در صفحه شخصی خود در فضای مجازی خطاب به اتحادیه اروپا نوشت: اگر شما ما را تحریم کنید مطمئن خواهیم شد که راه مادرست است. یقین داریم که ایستادن در مقابل دشمنان خدا اساس عاقبت به خیری است. مهدی عرب صادق افزود: تحریم های ناکارآمد شما نشان دهنده استیصال، انفعال و عصبانیت است.

ترقی:

منافقین، منبع اطلاعاتی، تحلیلی و محاسباتی سران اروپا شده اند

از حاکمیت است. امکان تضعیف سپاه وجود ندارد و اقدام آنها بیشتر حرکتی تبلیغاتی است. قائم مقام دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به نقش منافقین در تصمیمات اتحادیه اروپا، تصریح کرد: منافقین بزرگ ترین ضربه را از سپاه خورده اند. مقرهای آنها بارها توسط سپاه متلاشی شده است بنابراین آنها علیه سپاه فعالیت داشته اند. منافقین که خودشان تروریست هستند به دنبال عوض کردن جای خود با سپاه هستند. وارونه نمایی واقعیت یکی از ابزارهای آن هاست. ترقی در پایان گفت: رفت و آمد منافقین به اتحادیه اروپا و سخنرانی در آنجا با فریب سران اروپا همراه شده است. منافقین، منبع اطلاعاتی، تحلیلی و محاسباتی سران اروپا شده اند و به همین دلیل دچار اشتباه محاسباتی می شوند. اگر اتحادیه اروپا به پیشنهاد پارلمان اروپا تن دهد، ضربه حیثیتی بزرگی به خود زده است.

دلیل دچار اشتباه محاسباتی می شوند. حمیدرضا ترقی در گفت و گو با ایسنا درباره اقدام پارلمان اروپا برای قرار دادن نام سپاه در لیست گروه های تروریستی اظهار کرد: نقطه کانونی راهبردی آمریکا و اروپا در قبال ایران، تغییر رفتار نظام در کوتاه مدت و تغییر نظام سیاسی در بلندمدت است. از سویی سپاه در از بین بردن یا به هم ریختن سیاست های راهبردی آمریکا در منطقه نقش مهمی دارد. سپاه همچنین نقش مهمی در پیاده سازی تدابیر رهبر انقلاب، مدیریت و کنترل بحران های کشور، مقابله با جنگ نامتقارن و سایبری دشمن و البته دور زدن تحریم ها و خنثی کردن توطئه های دشمن دارد. وی ادامه داد: آمریکا و اروپا به همین دلیل به دنبال مهار سپاه هستند. تخریب هایی که در این مدت به ویژه پس از اغتشاشات نسبت به سپاه انجام دادند، نشان دهنده آن است که هدف آمریکا و اروپا مهار سپاه است. با این حال اقدام پارلمان اروپا جایگاه قانونی ندارد زیرا سپاه نیروی نظامی رسمی و بخشی



قائم مقام دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی گفت: منافقین، منبع اطلاعاتی، تحلیلی و محاسباتی سران اروپا شده اند و به همین

و واکنش شتابزده دارد و نشان می دهد آنها از پایان آشوب در ایران به شدت ناراحت هستند. سپاه که قهرمان مبارزه با تروریسم در منطقه است را به صفتی معرفی می کنند که جهان آن را خاتمه دهنده به عملیات تروریستی در منطقه می شناسد و از قهرمان و پهلوان این عرصه یعنی شهید قاسم سلیمانی بارها تجلیل کرده است. ۶- اقدام نابخردانه اروپا روابط این قاره را با ایران از چاله به چاهی می اندازد که آمریکایی ها در آن به سر می برند. این اقدام گام به گام توسط صهیونیست ها هدایت می شود. به طور طبیعی یگان هایی از ارتش های اروپایی را در منطقه آسیب پذیر می کند. اتحادیه اروپا دارد پل های روابط با تهران را پشت سر خود خراب می کند. این یک سیاست از قبل شکست خورده است. تهران این موضع را یک پرده از پرده های شوم بدعهدی برجامی از سه کشور شرور اروپایی تلقی می کند. پاسخ چنین موضعی در دولت و مجلس از پیش آماده است.

۷- سپاه محبوب ترین نهاد نظامی کشور است که میلیون ها جوان حاضرند جان خود را برای پاسداشت امنیت کشور در آن فدا کنند. سپاه مردمی و ملی ترین نیروی نظامی در جهان شناخته می شود. اشتباه محاسباتی اتحادیه اروپا در این باره مثل روز روشن است. اتحادیه اروپا با این اقدام تک تک اعضای این کشورها را در فهرست حامیان تروریسم قرار داده است.

۸- تهران هفته گذشته میزبان زنان تأثیرگذار ۹۰ کشور جهان بود تا با پیشرفت های زنان امروز ایران آشنا شوند. این کنگره فرصتی بود تا زنان تأثیرگذار جهان بدون روتوش رسانه ای و دروغ پردازی های غرب صدای زن ایرانی را بشنوند و از وضعیت زنان در کشور خود بگویند. این نشست، تبلیغات دشمن را علیه زنان ایرانی بر باد داد و این به کلافگی دشمن افزود.

کلافگی اروپا



محمد کاظم انبارلویی

عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی

۱- دو میلیون فرانسوی هفته گذشته در ۲۰۰ شهر این کشور به خیابان ها ریختند و علیه سیاست های اقتصادی ماکرون تظاهرات کردند.

رسانه های اروپا از این حضور به عنوان یک اعتراض بی سابقه یاد کردند.

این اعتراضات همزمان با اعتصاب سراسری شبکه حمل و نقل، بیمارستان ها، مدارس و پالایشگاه ها بود، حتی برخی سالن های تئاتر و موزه های فرانسه بسته شد.

خروج محموله های سوختی از پالایشگاه ها تفریب متوقف شد. این ریخت حکومتی در پاریس است که مدام علیه کشورمان توطئه می کند. توصیه به دموکراسی و آزادی می کند و پذیرای ضدانقلاب و اغتشاشگران در فرانسه است.

۲- تظاهرات یک صد هزار نفری در تل آویو علیه سیاست های

دولت به روایت نیویورک تایمز، رژیم صهیونیستی را در آستانه یک نزاع جدی داخلی قرار داده است. آموشد چند دولت طی یک سال اخیر حکایت از بی ریختی سیاسی در سرزمین های اشغالی دارد. ۳- اوضاع در لندن هم همین گونه است. بی ثباتی دولت، اعتراضات مردم به سیاست های اقتصادی و اعتصابات سراسری تصاویری است که همه روزه رسانه های انگلیسی و رسانه های خارجی از این کشور نشان می دهند.

۴- سه کشور یاد شده به همراه آمریکای جهانخوار در اتاق جنگ شناختی خواب هایی برای کف خیابان در تهران و برخی شهرهای دیگر دیده بودند. اکنون خود آنها نمی توانند پاسخگوی معترضین در کف خیابان های خود باشند.

۵- اعلام سپاه به عنوان یک گروه تروریستی از سوی اتحادیه اروپا حکایت از یک کلافگی سیاسی

بازتاب گفت و گوی رادیو انقلاب با دبیر کل حزب موتلفه اسلامی:

بادامچیان: غرب در مقابل ایران عاجز است

دشمن در فتنه ۱۴۰۱ تلاش کرد ایران را زمین بزند، اما شکست خورد و امروز رسواتر از گذشته شده است



اسدالله بادامچیان مهمان رادیو انقلاب شد
مروری بر انقلاب از زبان سیاستمدار که کار ایران را حتی سازی کودتای ژنرال هایزر تا مدیریت
۶۵ هزار نیروی انتظامات استقبال از امام

رادیو انقلاب که از اول بهمن ۱۴۰۱ فعالیت خود را به مناسبت چهل و چهارمین سال پیروزی انقلاب اسلامی آغاز کرده و به مدت یک ماه ادامه خواهد داشت، در یکی از اولین برنامه های خود به گفت و گو با دکتر اسدالله بادامچیان از پیشکسوتان نهضت انقلاب اسلامی پرداخت که در بهمن ۵۷ در کنار شهیدان مطهری و مفتاح عضو کمیته استقبال از امام خمینی (ره) بود. دبیر کل حزب موتلفه اسلامی در این گفت و گو ضمن بیان اقدامات انجام شده در آن ایام، به تشریح وظایف امروز انقلابیون در جهاد تبیین و نیز اهمیت حرکت در مسیر گام دوم انقلاب اسلامی پرداخت.

دبیر کل حزب موتلفه اسلامی گفت: بعد از اینکه کارتر به ایران آمد متوجه شد نمی تواند شاه را در ایران نگه دارد، برای همین ژنرال هایزر را بدون ویزا و گذرنامه به ایران فرستادند تا با همکاری ژنرالهای ایرانی یک کودتای شهری راه اندازی کند.

دکتر اسدالله بادامچیان در گفتگو با برنامه «مرز پرگهر» رادیو انقلاب اظهار کرد: در دوم بهمن ۵۷ من همراه دوستان دنبال برنامه های ورود امام (ره) بودیم؛ ما باید مزاحمت های دولت بختیار و باقی مانده رژیم پهلوی را رفع می کردیم.

وی با بیان اینکه قبل ورود امام ما کودتای ژنرال هایزر را خنثی کردیم، ادامه داد: ساماندهی ۶۵ هزار نیروی مردمی برای استقبال مردم از امام و همچنین دعوت از خبرنگاران خارجی برنامه ریزی زیادی لازم داشت. ما برای حدود ۳۰۰ خبرنگار خارجی کارت ویژه صادر کردیم و برنامه ریزی های لازم را هم کردیم.

دبیر کل حزب موتلفه اسلامی بیان کرد: بعد از اینکه کارتر به ایران آمد متوجه شد نمی تواند شاه را در ایران نگه دارد، برای همین ژنرال هایزر را بدون ویزا و گذرنامه به ایران فرستادند تا با همکاری ژنرالهای ایرانی یک کودتای شهری راه اندازی کرده و حتی با کشتن یک میلیون نفر اجازه ندهند انقلاب به ثمر برسد.

بادامچیان اضافه کرد: رئیس کمیته استقبال شهید مطهری و کارگردان اصلی من بودم، تشکیلات شکل گرفت و به تدریج به آنجا رسید که ۶۵ هزار نفر نیرو برای انتظامات داشتیم. تشکیلات استقبال در مدرسه رفاه انواع اقسام کمیته ها را داشت.

وی بیان کرد: بهمن ۱۳۵۷ در کمیته استقبال خلاصه نمی شود، بلکه از ۳۰ دی ماه شروع شد و ۱۲ بهمن با ورود امام تمام شد، از ۱۲ بهمن تا ۲۲ بهمن اقامتگاه امور را نظارت می کرد و از هفته سوم که آغاز انقلاب اسلامی بود یعنی ۲۳ تا ۳۰ ماه بهمن از اقامتگاه اداره می شد.

دبیر کل حزب موتلفه اسلامی عنوان کرد: لذا مسئله بهمن ۵۷ منحصر به استقبال نیست، بلکه یک ماه آغاز نظام جمهوری اسلامی ایران و سقوط نظام چند هزار ساله ستم شاهی است. اصولاً کارگردان اصلی جریانات آن سال شهید باهنر، بهشتی، مطهری، مقام معظم رهبری، هاشمی

رفسنجانی که نقش کمتری داشت و دوستان موتلفه اسلامی بودند که در خدمت انقلاب از جان مایه گذاشتند. بادامچیان افزود: انقلاب از سال ۴۱ شروع شد، به خاطر توطئه جان کنده که می خواست اسلام را از ایران براندازد و ایران را به یک کشور غیر دینی و سکولار تبدیل کند. از همان جا بود انقلاب ما شروع شد و امام فرمودند «اسلام در خطر است». آمریکایی ها فکر می کردند این تظاهرات مقطعی است و شاه آنها را سرکوب می کند و بعد آنها می توانند رفراونوم دوم خود را در ایران برای تغییر نظام اسلامی و تبدیل کردن کشور به یک حکومت غیر دینی اجرا کنند.

وی بیان کرد: اما این پیش بینی درست از آب درنیامد، قضیه فیضیه قم پیش آمد، فکر می کردند با این کار علما عقب نشینی می کنند، که امام فرمود «من سینه ام را برای سر نیزه های شما آماده کرده ام» و بعد هم جریان ۱۵ خرداد پیش آمد. آمریکا با دستگیری امام و قتل روحانیت به جایی نرسید، در نتیجه یک فروردین ۱۳۴۳ رژیم مجبور شد امام آزاد کند.

دبیر کل حزب موتلفه اسلامی افزود: وقتی دیدند رژیم از پس مردم بر نمی آید تصمیم گرفتند به مستشاران آمریکایی مصونیت بدهند تا هر کس برای آنها کار می کند هر خیانتی و جنایتی انجام داد حتی پلیس ایران نتواند متهم آمریکایی را دستگیر و یا محاکمه کند.

بادامچیان اضافه کرد: وقتی انقلاب پیروز شد دانشگاه ما همه اش اقتصاد غربی و سرمایه داری وابسته به آمریکا بود. ما ۳۴۷ میلیون دلار صادرات داشتیم و صادرات مان وابسته به نفت بود. ۲۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار واردات داشتیم. ایران محتاج غرب و فروش نفت هم در کنترل

غربی ها بود. وی ادامه داد: امام به اقتضای آن زمان دولت بازرگان را گذاشت و آمریکا فکر کرد انقلاب به استحاله رفته است؛ به قول شهید بهشتی «دولت اضطرار بود»، در گام اول زیر ساخت های انقلاب را ساخت، به همین علت امروز کشور یک کشور مقتدری است که کسی جرات حمله ندارد و نقشه تحریم و بگرام نتوانست آن را تسلیم کند.

دبیر کل حزب موتلفه اسلامی بیان کرد: غرب به جای رسیده است که بگرام برای آنها تاثیر ندارد، تحریم ها هم به تحریم های مسخره ای تبدیل شده است، چهار شرکت ایرانی و سپاه را تحریم کرده اند؛ یا اهانت به پیامبر اسلام، یا ایران را از کنفرانس زنان کنار بگذارند. در حالی که ایران کنگره زنان مسلمان را برگزار کرد.

وی افزود: باید گفت غرب در مقابل ایران عاجز است، نه می تواند حمله کند نه هیچ کار دیگری، این فتنه ۱۴۰۱ که انجام داد آنقدر تلاش کرد که ایران را زمین بزند، به حدی طراحی این فتنه قوی بود که مقام معظم رهبری گفتند «من در دلم این همه قدرت این فتنه را تحسین کردم»، با این وجود آنها شکست خوردند و امروز رسواتر از گذشته شده اند.

بادامچیان گفت: گام دوم انقلاب برای تبیین مسائل انقلابی و ساختن کشوری آباد و شاد، بر پایه عدالت است. با سه محور اصلی تمدن نوین اسلامی، به جای شبیخون فرهنگی غرب و تمدن غربی که یک تمدن مادی گراست و جز خون ریزی و استعمار کشورها هیچ کاری نتوانسته است که بکند، جامعه نمونه اسلامی است؛ و دولت کریمه اسلامی، دولتی که در خدمت به مردم برای رفع گرفتاریشان باشد.

امام خامنه‌ای:

شاید این تعبیر درباره آنها درست باشد که بگوییم نورالله فی ظلمات الارض

امام خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در خصوص شهدای مؤتلفه اسلامی که پس از اجرای حکم الهی درباره نخست وزیر رژیم پهلوی در ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ به شهادت رسیدند می‌فرماید: «این شهدای چهارگانه (امانی، بخارایی، صفارهرندی، نیک‌نژاد)، شاید این تعبیر درباره آنها درست باشد که بگوییم نورالله فی ظلمات الارض، به

هر حال اینها ستارگان و برجستگانی بودند که در راه خدا رفتند. راهی را انتخاب کردند و نتیجه این شد که مشاهده می‌کنید یعنی حاکمیت اسلام در دوران سیطره کفر و استکبار بر عالم، چیزی که به افسانه شبیه است. این شهدای چهارگانه حقیقتاً در دوران ظلمات نور خدا بودند که درخشیدند، فضا و دلها را روشن کردند، راه را به

خیلیها نشان دادند.»

اول بهمن سالروز اجرای حکم الهی درباره حسنعلی منصور نخست وزیر رژیم پهلوی توسط اعضای مؤتلفه اسلامی است که در عملیات بدر سال ۱۳۴۳ انجام شد.

به مناسبت اول بهمن، سالروز اجرای حکم الهی درباره نخست وزیر رژیم پهلوی توسط مؤتلفه اسلامی

دکتر بادامچیان: شهید مطهری گفت باید کاری کرد ترس مردم بریزد

آنچه پیش رو دارید بازخوانی گفت و گویی با دکتر اسدالله بادامچیان دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی درباره اجرای حکم الهی توسط شهدای مؤتلفه اسلامی درباره حسنعلی منصور نخست وزیر رژیم پهلوی در اول بهمن ۱۳۴۳ است.

اندیشه مبارزه مسلحانه علیه رژیم پهلوی از چه دوره‌ای قوت پیدا کرد و استدلال کسانی که به این کار دست زدند چه بود؟

فکر مبارزه مسلحانه در ابتدا، با اعدام‌هایی که فدائیان اسلام انجام دادند آغاز و سپس توسط جمعیت مؤتلفه اسلامی دنبال شد که این کار را زیر نظر شورای روحانیت و شورای تصمیم‌گیری — که شهید مطهری در هر دوی آنها حضور داشت — انجام داد. استدلال این افراد این بود که اگر در ۱۵ خرداد، مردم مسلح بودند یا گروهی مسلح و کار کشته وجود داشت، به احتمال قوی می‌شدرژیم پهلوی را سرنگون کرد؛ چون کافی بود که این گروه سرباهای حساس را تصرف کند و عناصر ناراضی درون رژیم به نهضت بپیوندند و کار رژیم را تمام کنند. پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و سرکوب آن توسط رژیم پهلوی، اختناق سنگینی بر کشور حاکم شد و اکثر گروه‌های مبارز به این نتیجه رسیدند که با رژیم تاین دندان مسلح پهلوی، جز با اسلحه نمی‌شود جنگید و این رژیم اهل گفت و گو و استدلال نیست.

هیئت‌های مؤتلفه اسلامی با صلاح‌دید حضرت امام خمینی، همه اقدامات خود را بر اساس احکام فقهی انجام می‌دادند و به همین دلیل شورایی از روحانیت، متشکل از شخصیت‌هایی چون شهیدان آیت‌الله مطهری، آیت‌الله بهشتی و... بر عملکرد آن نظارت می‌کردند. نظر این بزرگان درباره مبارزه مسلحانه چه بود؟

شهید بهشتی معتقد بود که مبارزه را نباید در مبارزه مسلحانه محدود کرد؛ زیرا عامه مردم اهل انجام عملیات مسلحانه نیستند و اگر مبارزات به مبارزه مسلحانه محدود شود، همه در آن شرکت فعال نخواهند داشت و کار به نتیجه نمی‌رسد؛ به همین دلیل ایشان

پیشنهاد کرد که جناح مسلح هیئت مؤتلفه، از جناح سیاسی آن جدا شود و ارتباطات فقط در سطوح بالا صورت بگیرند. ایشان معتقد بود که بنای مبارزه را باید بر مبارزات سیاسی و اجتماعی گذاشت و جناح مسلح، فقط در صورت ضرورت وارد میدان شود و ضربه لازم را بزند. شهید مطهری هم دقیقاً همین عقیده را داشت و لذا شاخه نظامی هیئت مؤتلفه با اجازه حضرت امام و تأیید این دو بزرگوار شکل گرفت.

نحوه عملکرد شاخه نظامی و گزینش افراد در آن به چه شکل صورت می‌گرفت؟

بانوعی پرسش‌های رمزی از کسانی که برای حضور در شاخه نظامی و آمادگی تا مرحله شهادت اظهار تمایل می‌کردند، اعضای مناسب انتخاب شدند و آموزش‌های نظامی به صورت مخفی در بیابان‌های مسگر آباد شروع شد و افراد زبده انتخاب و گروه‌بندی شدند. سپس تهیه اسلحه و ساختن مواد منفجره آغاز و خیلی سریع، تعداد قابل توجهی از آنها تهیه شد. اعضای که با کار با مواد منفجره آشنایی داشتند، چند نمونه وسایل تخریبی و انفجاری ساختند و چند بار هم موفق شدند آنها را منفجر کنند. تمام این کارها با صلاح‌دید شهید مطهری و شهید بهشتی انجام می‌شدند.

چگونه تصمیم گرفته شد که حسنعلی منصور اعدام شود؟

قرار بوده به خاطر جنایات و کشتارهای سیستم و وقاحتی که این رژیم در برابر احکام اسلامی و مراجع تقلید و روحانیت به خرج می‌داد، سران حکومت از میان برداشته شوند که در رأس آنها محمدرضا پهلوی و اسدالله علم بودند. بسیاری از اعضای شاخه نظامی مؤتلفه برای انجام این کار اعلام آمادگی کردند. در سال ۱۳۴۳ هنگامی که امام خمینی از زندان آزاد شدند، قرار شد شهید امانی با امام ملاقات کند و اجازه اعدام شاه و عناصر اصلی رژیم را از ایشان بگیرد. امام خمینی در ابتدا موافقت نکردند و گفتند: وقت انجام این نوع کارها نیست و بهتر است شما به فکر تشکل باشید، اما در ملاقات‌های بعدی فرمودند: شاید دیگری این نوع

کارها را از شما بهتر انجام بدهند. شما بهتر است به کارهای خودتان بپردازید... اما از آمادگی نظامی منع نکردند. اعضای شاخه نظامی مؤتلفه مراحل شناسایی و گردآوری اطلاعات را انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که زدن محمدرضا پهلوی کار بسیار دشواری است، ولی سایر عناصر رژیم را می‌شود اعدام کرد.

رژیم پهلوی در ۱۳ آبان ۱۳۴۳، امام را به ترکیه تبعید کرد و بر اساس برنامه‌ای که تدارک دیده بود، قصد داشت مردم را شدیدتر از ۱۵ خرداد سرکوب و آن جنایت‌ها را در ابعاد وسیع‌تری تکرار کند تا نهضت کالا از بین برود. بعضی از مردم هم از کشتار ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ترسیده بودند و دیگر نمی‌خواستند آن فاجعه تکرار شود. آنها می‌گفتند: باید حساب‌شده‌تر عمل کرد، وگرنه ریختن مردم به خیابان‌ها و کشته شدن عده‌ای از مردم فایده ندارد! به همین دلیل هم بود که با آنکه در بازار تهران و بعضی از شهرستان‌ها تظاهراتی صورت گرفت، ولی هرگز به تظاهرات عظیم ۱۵ خرداد نرسید. بخشی از مردم دل‌سرد شده و ترسیده بودند و رژیم هم دائم تبلیغ می‌کرد که کار تمام شده است و با تبعید امام به ترکیه، تصور می‌کرد که شعله نهضت خاموش خواهد شد.

حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت، سخنران قابل‌ی بود و تقریباً هر روز سخنرانی می‌کرد و برای هر سؤالی هم پاسخی در آستین داشت. او به تدریج تحت شرایط و فضای سیاسی و اجتماعی جسارت پیدا کرد که به روحانیون و مخصوصاً شخص امام خمینی توهین کند و قضیه را طوری جلوه بدهد که مردم دیگر هوس مبارزه و قیام به سرشان نزنند و تصور کنند که مبارزین، دیگر انگیزه و رمق ندارند که به مبارزه ادامه بدهند و بدین ترتیب به تدریج شعله انقلاب خاموش شود. هیئت مؤتلفه با تأیید شورای تصمیم‌گیری، در روز تبعید امام تظاهرات مختصری در بازار راه انداخت و عصر آن روز

واحد‌های

تظاهرات کننده

را خواست و به فکر اقدامات دیگر افتاد. در روز ۲۱ آذر رژیم به مناسبت پایان غائله آذربایجان، مراسم رژه برگزار کرده بود و سر همه گرم بود! هیئت مؤتلفه به عنوان اعتراض به تبعید امام خمینی، در مسجد سیدعزیزالله مراسم باشکوهی برگزار کرد که عده زیادی از مردم در آن شرکت کردند و در پایان مجلس هم علیه رژیم پهلوی قطعنامه‌ای قرائت شد. مأموران رژیم تلاش کردند سخنرانان و خواننده قطعنامه را دستگیر کنند، ولی آنها با تغییر لباس از چنگ ساواکی‌ها گریختند، اما تمام اعضای مؤتلفه به این نتیجه رسیدند که با این نوع کارها نمی‌شود با رژیم پهلوی مبارزه کرد و ضرورت دارد که کار جدی‌تری صورت بگیرد. یک روز در خدمت شهید حاج صادق امانی بودیم که یکی از برادران گفت: آقای مطهری معتقدند باید چند نفر از سران اینها از بین بروند تا مردم بار دیگر روحیه پیدا کنند و ترسشان بریزد! شهید امانی نفس بلندی از روی آسودگی کشید و گفت: «الحمدلله حکم شرعی قتل این کافران صادر شد!» از اینجا بود که مؤتلفه به شکل جدی به فکر اعدام محمدرضا پهلوی و اسدالله علم افتاد. در مورد شاه، شهید محمدصادق اسلامی — که بعدها در فاجعه هفتم تیر به شهادت رسید — یکی دوبار با چند نفر برای اعدام شاه رفتند، ولی موفق نشدند. یکبار هم شهید بخارایی در هنگام بازدید شاه از اتحادیه کامیونداران سعی کرد با کلت به او تیراندازی کند که باز فرصت لازم پیش نیامد. اعضای هیئت مؤتلفه به این نتیجه رسیدند که اگر بخواهند منتظر فرصت مناسب بنشینند، ممکن است فرصت از دست برود و مردم هم همان تمه امید را که دارند از دست بدهند و دیگر جرئت و جسارت انجام هیچ کاری را نداشته باشند؛ لذا تصمیم گرفته شد حسنعلی منصور — که عامل تصویب کاپیتولاسیون بود و جسارت نسبت به روحانیت را از حد گذرانده بود — مجازات شود تا نوبت به بدی‌ها برسد. شهید مطهری و شهید بهشتی با این کار موافق بودند، اما برای این اقدام، حکم یک مرجع تقلید لازم بود؛ به همین دلیل مرحوم حاج سیدتقی خاموشی و یک نفر دیگر به مشهد رفتند و مجوز این کار را از آیت‌الله میلانی گرفتند.

عملیات اعدام حسنعلی منصور چگونه پیش رفت؟

پس از اینکه مؤتلفه اجازه مجتهد جامع‌الشرایط را برای ترور منصور گرفت، افرادی که قرار بود این کار را انجام بدهند به برنامه‌ریزی پرداختند و قرار شد در روز ۱۳۳۳، یعنی ۶۷ روز پس از تبعید امام، این کار صورت بگیرد. قرار بود منصور در آن روز ابتدا از یک شرکت تعاونی بازدید کند و سپس به مجلس برود و درباره نفت لایحه‌ای را به مجلس تقدیم کند. اعضای هیئت مؤتلفه محاسبه کردند که اگر او را در تعاونی بزنند، رژیم هیاهو به راه خواهد انداخت که مخالفان رژیم با تعاونی‌ها مخالف هستند؛ لذا صلاح دیدند که منصور را جلوی در ورودی مجلس بزنند و با برنامه‌ای حساب شده، از سه طرف آنجا را محاصره کردند تا منصور از هر طرف که آمد او را بزنند. شهید محمد بخارایی و مرتضی نیک‌نژاد در جلوی در طرف بهارستان، شهید صفار هرنی در جلوی در بالایی مجلس و شهید اندرزگو در پشت مجلس کمین کردند و شهید امانی هم با یک تاکسی دور مجلس می‌گشت تا عملیات را هدایت کند! گروه‌هایی هم که قرار بود ضاربین را فراری بدهند، در جاهای خود مستقر

شدند. منصور می‌خواست از در مقابل میدان بهارستان وارد مجلس شود و هنگامی که ماشینش ایستاد، شهید بخارایی جلوفت و به این بهانه که می‌خواهد به او نامه بدهد، با خونسردی گلوله‌ای را به شکم او خالی کرد! منصور به طرف داخل ماشین خم شد و شهید بخارایی گلوله‌ای را به حنجره او زد، اما گلوله سوم گیر کرد و شهید بخارایی به طرف مسجد سپهسالار دوید تا خود را به گروه فراردهنده که در نزدیکی سه راه امین حضور با موتورسیکلت منتظرش بودند، برساند که روی زمین لغزنده لیز خورد و مأمورین دستگیرش کردند!

باز تاب ترور حسنعلی منصور در جامعه چه بود و رژیم چه واکنشی نشان داد؟

خبر ترور منصور به سرعت در شهر پیچید و مردم بسیار خوشحال شدند. حتی بعضی از ماشین‌ها، چراغ‌های خود را هم روشن کرده بودند. مردم به یکدیگر تبریک می‌گفتند و این واکنش عمومی نسبت به این حادثه، بسیار معنادار بود. رژیم به شدت خود را باخته بود. ترور حسنعلی منصور در روز روشن و آن هم مقابل مجلس، نشان می‌داد که مخالفین از دل و جرئت و برنامه‌ریزی دقیقی برخوردارند. منصور چهار روز در حالت اغما بود و روز ۵ بهمن مرد. محمدرضا پهلوی زمانی که به دیدن منصور رفت، با دیدن او به کلی روحیه‌اش را باخت؛ زیرا منصور قیافه بسیار وحشتناکی پیدا کرده بود! شاید به همین دلیل هم بود که از جنازه منصور عکسی در مطبوعات چاپ نشد.

دوستانان در شاخه عملیات اعدام انقلابی حسنعلی منصور چه سرنوشتی پیدا کردند؟

متأسفانه به دلیل بی‌تجربگی، اکثر اعضای مؤتلفه دستگیر و محاکمه و چهار نفر، یعنی شهید محمد بخارایی، شهید مرتضی نیک‌نژاد، شهید رضا صفار هرنی و شهید صادق امانی، به اعدام و دیگران به حبس‌های طول‌المدت محکوم شدند.

آیا این حرکت شهدای مؤتلفه دنبال هم شد؟

شهید اندرزگو و برادران دیگری، به شکل انفرادی این کار را ادامه دادند. با ظهور سازمان مجاهدین خلق، مبارزه مسلحانه توسط آنها صورت گرفت، اما متأسفانه به دلیل ضعف ایدئولوژیک و حرکت‌های انحصار طلبانه و تفکرات القاطی و انحرافی، اقدامات آنها سرانجام خوبی پیدا نکرد و با تغییر ایدئولوژیک سازمان در سال ۱۳۵۴ عملاً زحمات مبارزان مسلمان به باد رفت تا زمانی که حرکت‌های مردمی به رهبری امام خمینی شروع شدند و خوشبختانه انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

برای نجات ضاربین حسنعلی منصور چه تلاش‌هایی صورت گرفت؟

شهید بهشتی به خصوص برای نجات آنها تلاش زیادی کرد و با آشنایی و ارادتی که آقای حکمت، بازجوی پرونده منصور، به ایشان داشت، توانست از مطالب پرونده اطلاعاتی به دست بیاورد و از حکمت خواست تا جایی که می‌تواند جلوی محکومیت برادران را بگیرد. او هم داشت تلاش خود را می‌کرد که پرونده را از او گرفتند و به یک دادستان نظامی ساواکی دادند که نهایت شدت عمل را به خرج داد و عناصر اصلی مؤتلفه در اسفند ۱۳۳۳ بازداشت شدند و تحت شکنجه قرار گرفتند، اما با نهایت قدرت و استقامت، ارتباط خود با شهید مطهری و شهید بهشتی را افشای نکردند و برای دستگیری آنها بهانه به دست رژیم ندادند.

علت سفر شهید بهشتی به آلمان پس از آن واقعه چه بود؟

پس از دستگیری اعضای مؤتلفه، خطر به شهید بهشتی خیلی نزدیک شده بود و این احتمال می‌رفت که ایشان دستگیر و به زندان طولانی محکوم شود. از سویی فعالیت‌های خارج از کشور به دست عناصر چپ و غیرمسلمان اداره می‌شد و کنفدراسیون دانشجویان متشکل از کمونیست‌ها و ملی‌گراها و لیبرال‌ها بود و اعتماد چندانی به آن نبود؛ لذا ضرورت داشت که در خارج از کشور هم یک سازمان اسلامی مطمئن به وجود بیاید. مدتی از فوت مرحوم محقق، نماینده آیت‌الله بروجردی در آلمان، می‌گذشت و جامعه روحانیت دنبال فرد شایسته‌ای می‌گشت که بتواند این مسئولیت را به عهده بگیرد. خوشبختانه قرعه فال به نام شهید بهشتی خورد و ایشان توانست از چنگ ساواک بگریزد و چون رژیم بهانه‌ای هم برای دستگیری ایشان پیدا نکرده بود، ناچار شد به رفتن وی رضایت بدهد. اگر شهید بهشتی به آلمان نمی‌رفت، بدون تردید دستگیر می‌شد!

شرایط شهید مطهری در آن دوره چگونه بود؟

ایشان مثل شهید بهشتی آن قدرها در معرض خطر نبود، هرچند ساواک تمام حرکات و گفته‌های ایشان را رصد می‌کرد، در حالی که اکثر رهبران ردیف اول مؤتلفه در زندان بودند، ایشان تلاش کرد بقیه اعضا را جمع کند و راه را ادامه بدهد، هرچند شرایط بسیار دشوارتر از قبل بود. حالا دیگر رژیم پهلوی می‌دانست که شاخه نظامی مؤتلفه قصد داشته ۸۲ تن از سران رژیم و خود محمدرضا پهلوی را اعدام کند. در عین حال مبارزات مسلحانه توسط گروه‌های دیگر هم شکل گرفته بود و لذا هر نوع حرکتی، حتی حرکت‌های فرهنگی، توسط رژیم به شدت کنترل می‌شدند. طبق گزارش‌های متعدد ساواک مشهد و تهران، تمام حرکات و تماس‌های شهید مطهری به شدت تحت مراقبت بوده و تمام سخنرانی و رفت‌وآمدهای ایشان گزارش می‌شده است. در یکی از این گزارش‌ها آمده که نامبرده در ۱۵ خرداد ۱۳۳۲ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور، مدت چهل روز بازداشت بوده و بعد از آن هم با برگزاری جلسات مذهبی در تهران و شهرستان‌ها و ایراد سخنرانی‌های تحریک آمیز به اقدامات خود علیه رژیم ادامه داده است. پس از افتتاح حسینیه ارشاد هم سخنرانی‌های منظم خود را به در آنجا آغاز کرده و تا تعطیلی حسینیه ادامه داده است. نکته مهم در سوابق او معاشرت و ارتباط با واعظ و روحانیون سابقه دار و ناراحت است. این کنترل‌ها در مورد ایشان، تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

تقسیم کار روزنامه کرباسچی و اینترنت نشنال

برای روحیه دادن به بدنه آشوب

خبرگزاری فارس نوشت: چندی پیش معاون وزیر کشور گفت «آشوبگران ۱۷۰۰ میلیارد تومان خسارت به کشور تحمیل کردند» در همین رابطه در روزهای گذشته استاندار کردستان تاکید کرد که این استان در جریان آشوب های اخیر متحمل ۶۰ میلیارد تومان خسارت شده است.

آشوب های اخیر علاوه بر خسارت های فراوانی که به کشور تحمیل کرد، موجب شد تعدادی از هموطنانمان از کودک و زن و مرد و پیر و جوان به شهادت رسیده و خانواده های زیادی داغدار شدند.

فهرست خسارت های مادی و معنوی آشوب های اخیر، فهرست بلند بالایی است که بانیان و حامیان آشوب در داخل و خارج کشور باید درباره آن حساب پس بدهند.

با این حال همچنان برخی رسانه ها در داخل، به حمایت از آشوبگران پرداخته و اصرار دارند که جای ظالم و مظلوم را عوض کنند. در همین رابطه روزنامه هم میهن - به مدیر مسئولی کرباسچی - در مطلبی با عنوان «مشکل وثیقه های سنگین» نوشته است: «با شکل گیری اعتراضات در ماه های اخیر و گسترده شدن آن، بازداشت معتزضان و افرادی که متهم به نقش آفرینی در نا آرامی ها بودند نیز آغاز شد. حال پس از گذشت چند ماه با وجود اینکه التهابات رو به آرامی حرکت کرده و مردم دیگر در خیابان نیستند، اما هنوز بازداشت ها ادامه دارد و وضعیت بازداشت شدگان هم متفاوت است. برخی از آنها در زندان ها منتظر رسیدگی به پرونده و دادگاه هستند و برخی هم آزاد شده اند. البته تعدادی از آنها هم به قید وثیقه و تاسرو رسیدگی به اتهامات انتسابی در جلسات دادگاه، به صورت موقت آزادند. با این حال آنطور که از قرائن پیداست، تامین قرارهای وثیقه برای بسیاری از بازداشت شدگان بسیار سخت است. اراقمی که تا یک میلیارد و حتی بیشتر هم رفته است و این رقم برای خانواده و دوستان آنها چنان دشوار است که دست از تلاش برای کاهش میزان وثیقه برداشته و برای تامین مبلغ مشخص شده از هم وطنان تقاضای کمک کرده اند؛ کمکی که بالاخره از راه رسید.»

در ادامه این مطلب آمده است: «در ایران به واسطه خلط و مبحث جرم سیاسی و جرم امنیتی و مشخص نبودن معنی و حدود و ثغور هر یک از این جرائم، همواره خطر گرفتار شدن برای افراد معترض و منتقد وجود دارد؛ افرادی که اعتراض شان ولو با صدای بلند امنیت کشور را با خطری مواجه نمی کند. به هر روی درباره سختگیری نسبت به متهمان سیاسی کافی است که به عدم دسترسی مجرمان سیاسی و امنیتی به وکیل انتخابی در مرحله بازجویی اولیه و صرف حق انتخاب آنها از میان فهرست و کلاهی موسوم به و کلاهی تبصره ۴۸ اشاره کنیم؛ مرحله ای که معمولاً در کشور ما با بازداشت و زندان همراه است. اما نمونه دیگر از این سخت گیری ها که به نظر می رسد درباره این مجرمان مصداق بیشتری دارد، همین تعیین وثیقه های بسیار سنگین از سوی مراجع مربوطه است. به این معنا که در بسیاری موارد وثائق تعیین شده چنان سنگین هستند که دو خصوصیت لازم یعنی تناسب با جرم ارتكابی و تناسب با ارزش مالی جرم را از دست می دهند.»

نکته قابل توجه اینجاست که سوژه و گزارش این روزنامه اصلاح طلب با استقبال رسانه سعودی - انگلیسی «اینترنشنال» مواجه شده و این رسانه ضدا ایرانی با آب و تاب به باز نشر این گزارش اقدام کرده است.

اینترنشنال در همین زمینه در مطلبی نوشته است: «روزنامه هم میهن در گزارشی از وثیقه های سنگین زندانیان اعتراضات نوشت که "به گفته برخی و کلا، تعیین چنین وثیقه هایی تنها بهانه ای" برای ادامه بازداشت زندانیان است عثمان مزین، وکیل دادگستری در مصاحبه با هم میهن، گفت که با افزایش مبلغ وثیقه، دستمزد کارشناس دادگاه که باید توسط خانواده زندانی پرداخت شود، نیز بیشتر می شود و این موضع فشار مالی بیشتری را متوجه خانواده می کند. روزنامه هم میهن: وثیقه های خبرنگاران غالباً یک میلیارد تومان بوده و برای یکی از زنان فعال اجتماعی در کردستان سه میلیارد تومان وثیقه تعیین شده است.»

حضور مجهز در رقابت رسانه ای

دکتر حسن لاسجری
عضو شورای مرکزی
حزب مو تالفه
اسلامی

آنچه گاهی در پس بحث درباره عملکرد داخلی رسانه ملی فراموش می شود، تاثیر به سزای افزایش بودجه در بعد خارجی فعالیت های این رسانه است. همان طور که می دانیم در بخش برون مرزی، صدا و سیما ی جمهوری اسلامی ایران با رسانه های متکثری مقابل است که با همه توان از نظر فرهنگی و تبلیغات

خارجی و مانور آنان در خصوص افزایش بودجه صدا و سیما مواجه می شویم باید از چند منظر به این نوع نگاه آنان توجه داشت. یکی این که چنین زاویه دیدی برای برخی رسانه های خارجی در ادامه برخی اعتراضات داخلی شکل می گیرد و همچنین از سوی دیگر می توان اذعان داشت که نیاید از رسانه های معاند که سعی در جنگ فرهنگی با رسانه رسمی

جمهوری اسلامی را دارند انتظار دیگری داشت چون از دشمن مغرض جز غرض و مرض انتظار دیگری نمی رود. از جهت دیگر صدا و سیما می تواند با تمرکز بر



به روزرسانی عملکردش و بهره بردن از تکنیک های نوین رسانه ای که امروز در دسترس است چه در بخش داخلی و چه حوزه برون مرزی با گارد باز تر به استقبال موضوعات مختلف بروند و در این خصوص که البته آن هم نیازمند تزریق بودجه مناسب است، از نقدهایی که گاهی بجای دیگران به کیفیت عملکرد این رسانه مطرح می شود به نفع خود و در جهت بهبود بخش های مختلف استفاده کنند

* این یادداشت در روزنامه جام جم منتشر شده است.

سیاست های خود در حال کار هستند. البته مقابله با امواج آنان شرایط جنگ تن به تن و فیزیکی را ندارد بلکه یک جنگ رسانه ای است که باید با بهره گیری از تکنیک های جدید رسانه ای در این رقابت سر بلند بیرون آمد.

همواره به خاطر داریم فصل بودجه، فصلی پر مناقشه و پراهمیت است که درباره آن باید بررسی های زیادی صورت گیرد. برای همین لازم است همه ابعاد لایحه بودجه با نگاه دقیق و موشکافانه بررسی شود. وقتی با نقد رسانه های

نو کالت - میدهم

گفتارهایی که خودشان در یک پویش به جان هم افتادند

بعد از اینکه کمپین ## نو کالت می دهیم، رضا پهلوی را به توهم جدیدی رساتد، سعی کرد در مصاحبه ای با شبکه من و تو رقیب خود خوانده در تصاحب قدرت در ایران را کنار بزند. او در مصاحبه ای خود رفتار سازمان منافقین را زیر سؤال برد و گفت: "یک سازمانی ادعای دموکراسی و برابری کند، اما در خود آن سازمان، زنان یک طرف و مردان جدا از هم می نشینند و اسمش را هم می خواهند دموکراسی و حقوق بشر بگذارند. نمی دانم این را چطور می خواهند توجیه کنند؟"

البته منافقین هم ساکت نمانده و به لفاظی علیه خود را بدرند.



تغییر رویکرد دولت سیزدهم نسبت به دولت قبل از نگاه قائم مقام دبیر کل حزب موتلفه اسلامی

مدیری که ورزش را با ارزش ها تلفیق کرد



کشتی و حسین آقا زمانی دبیر شورای هماهنگی ورزش صدا و سیما هر کدام به فراخور حال بر سجایای اخلاقی، تعهد، تخصص و عملکرد روشن و موفقیت آمیز شادروان یزدانی خرم تاکید کردند.

علی یزدانی خرم فرزند ارشد شادروان محمدرضا یزدانی خرم آخرین سخنران این مراسم بود که ضمن قدردانی از اعضای کارگروه ورزش، مهمانان حاضر و مسئولین حزب موتلفه از پدر خود به عنوان فردی دلسوز، دارای اخلاق حسنه، عاشق بزرگترها و پیشکسوتان و عاقبت به خیر یاد کرد.

لازم به ذکر است در خلال این مراسم حمید آزاد و خورشیدی دو تن از ذاکرین و مداحان اهل بیت (علیهم السلام) با یادکردی از علاقه و عشق شادروان یزدانی خرم به امام اول شیعیان و ابا عبدالله، اشعاری را در مدح و منقبت آن بزرگواران قرائت کردند.

مورد انتظار حاصل نشده است البته نمی توان منکر موفقیت های بزرگانی چون یزدانی خرم در این رهگذر شد. او از جمله مدیران موفق و کار آمدی بود که توانست ورزش را با ارزش تلفیق کند. خداوند به ایشان توفیق داد تا با همین شیوه نگاه تحولات اساسی در حوزه فعالیت خود ایجاد کند.

بادامچیان خاطر نشان کرد: یزدانی خرم همواره در جهت خدمت به مردم، انقلاب و ورزش استوار و ثابت قدم بود بطوری که وقتی ورزش از خدمات ایشان بی بهره ماند، ایده خود جهت راه اندازی کارگروه ورزش حزب موتلفه اسلامی را با مادر میان گذاشت و چون از سابقه فعالیت های مفید و موثر وی اطلاع داشتیم بی درنگ با تشکیل کارگروه ورزش حزب موافقت شد. امیدوارم همین کارگروه متشکل از جمعی متخصص و متعهد بتواند همراه با گام دوم انقلاب و مطابق سیره و روش مدیریت شادروان یزدانی ارزش را نیز وارد ورزش کنند.

دکتر نوروزی نایب رییس کمیته ملی المپیک و رییس فدراسیون پزشکی ورزشی، دومین سخنران مراسم یادبود مرحوم یزدانی خرم بود که با اشاره به همکاری و حضور خود در فدراسیون والیبال بر خصایص پسندیده یزدانی خرم از وی به عنوان مدیری شجاع، مردمدار، ساده زیست و پرنامه ریز یاد کرد در همین راستا همچنین بهنام محمودی کاپیتان سابق تیم ملی والیبال، غلامحسین زمان آبادی مشاور فرهنگی فدراسیون فوتبال، عارف ربطی دبیر اسبق فدراسیون

همزمان با اولین سالگرد درگذشت شادروان محمدرضا یزدانی خرم و به همت اعضای کارگروه ورزش حزب موتلفه اسلامی، طی مراسم ویژه ای از خدمات و تلاش های بی بدیل این مدیر ارزشمند ورزش کشور قدردانی شد.

در این مراسم که علاوه بر اعضای کارگروه ورزش جمعی از مسئولین، کارشناسان و اصحاب رسانه نیز حضور داشتند ابتدا دکتر اسدالله بادامچیان دبیر کل حزب موتلفه اسلامی طی سخنانی از یزدانی خرم به عنوان مدیری ارزشی یاد کرد که توانست طی دوران خدمت پر افتخار خود در عرصه ورزش، معیارهای آیینی و دینی را بیش از پیش ترویج کند. او مدیری تلاشگر، مدیر، جدی، متعهد و معتقد به مبانی دینی بود و در سایه همین صفات پسندیده افتخارات فراوانی برای ورزش کشور به دست آورد.

دبیر کل حزب موتلفه اسلامی افزود: ورزش برای ما از اهمیت بسزایی برخوردار است و در مبانی دینی نیز بر سلامتی روح و جسم افراد جامعه تاکید فراوان شده است. پس از استقرار جمهوری اسلامی دیدار امام با ورزشکاران از جمله اولین دیدارهای بنیانگذار انقلاب با اقصاشار مختلف بود که طی آن یک روز به یاد ماندنی و فراموش نشدنی رقم خورد. وی ادامه داد: ورزش ما طی دوران پس از انقلاب فراز و نشیب هایی را سپری کرده و موفقیت های بسیاری در عرصه قهرمانی کسب کرده ایم اما در بحث انطباق این مقوله با مبانی دینی توفیق

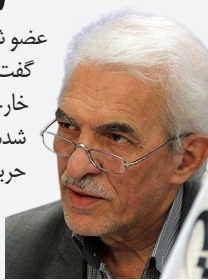
مقدم: تروریستی خواندن

سپاه پاسداران، امتداد خط

اغتشاش است

عضو شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی گفت: شکست فتنه ترکیبی اخیر به دشمنان خارجی و نفوذیان داخلی شوک بزرگی وارد شده است لذا این اجانب پست هر روز دنبال حربه ای تازه علیه نظام ما هستند.

احمدعلی مقدم، در گفت و گو با برنا، در رابطه با درخواست خصمانه پارلمان اروپا مبنی بر تروریستی خواندن سپاه جمهوری اسلامی ایران، اظهار کرد:



امریکا و اروپا فکر می کنند هر چه بیشتر از اهرم فشار و تحریم علیه ملت ایران استفاده کنند زودتر به اهدافشان می رسند و در نتیجه ایران کوتاه خواهد آمد، اما این شیاطین بزرگ نمی دانند که ترغندهای آنان نخ نما شده و نظام ما در این بیش از نیم قرن دشمنی آبدیده و مقتدر شده اند. دبیر حزب موتلفه اسلامی استان کرمان ضمن محکوم کردن این اقدام احمقانه و گستاخانه اتحادیه اروپا، ادامه داد: هدف جنگ جدید دشمن، در امتداد خط اغتشاشات اخیر است چرا که دشمنان بعد از شکست فاحش خود حالا با این ترغند نخ نما می خواهد بخشی از شکست و بی آبرویی خود را جبران کند اما ما فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی: «

سپاه، هم در زمینه سخت افزار، هم در زمینه نرم افزار، در وادی تعالی و پیشرفت، در جاده تعالی و پیشرفت کاملاً جلو رفته و امتحان خوبی پس داده: اعتقاد بنده این است که اوچ گرفته لذا همین هم موجب شده است که آمریکا و دستگاه استکبار و آدمهای بد دنیا، با سپاه خیلی بد بشوند.»

اتحادیه اروپا: سپاه تروریست است

اصلاح طلبان: دولت سیزدهم مقصر است

عباس آخوندی در تحلیلی که از سوی روزنامه سازندگی منتشر شده، نوشت: "غربی ها به واقع، از بحث هسته ای ایران هیچ گاه نگرانی جدی ای نداشته اند لیکن، در مورد اوکراین، حساسیت دیگری دارند. چون آنجا یک صحنه رویارویی تمام عیار غرب و روسیه است و امنیت زندگی شان مطرح است... اگر پیش از جنگ اوکراین تنها لابی اسرائیل در غرب در پی امنیتی کردن پرونده ایران بود، اکنون این مسئله عمومیت یافته و این آستانه پر مخاطره ای برای هیچ است، روس ها با رندی و نامردی تمام و ما هم با بی تدبیری و موقعیت ناشناسی تمام وارد بازی روس ها شدیم. ایران باید به نحو اطمینان بخشی و مستقل از مذاکرات بر جام خود را از بحث درگیری روسیه - اوکراین جدا کند و به صورت شفاف و آشکار با اتحادیه اروپا وارد مذاکره مستقیم و بی واسطه شود و بگوید که در این ارتباط آمادگی دارد که از غرب ابهام زدایی کامل بکند و بی طرفی خود را در عمل به اثبات برساند."

همه فعالین و رسانه های اصلاح طلب در این روزها تحلیل های مشابهی را مطرح کرده اند و موضوع تلاش اروپا برای تروریستی دانستن سپاه را با دیپلماسی دولت سیزدهم مرتبط دانسته اند

این در حالی است که اروپا به گفته عباس آخوندی با اینکه در زمان اجرای برجام از بحث هسته ای ایران نگرانی نداشت، بعد از نقض برجام توسط آمریکا، نه تنها به وعده خود برای حفظ ایران در برجام از طریق مقابله با تحریم های آمریکا عمل نکرد، بلکه خود را آماده انجام تحریم های مطلوب آمریکا کرد. در آن زمان چرا صدایی از دولتمردان وقت در نیامد؟ در آن زمان دولتمردان نه تنها در برابر وعده های اتحادیه اروپا اقدام متقابل انجام ندادند بلکه آن را توجیه کردند، همین عمل باعث شد تا اروپایی ها اطمینان کامل پیدا کنند که طرف ایرانی اراده ای برای مقابله فعال و هم سطح با نقض تعهدات توسط اروپا ندارد، بنابراین عملیات فریب را علیه ملت ایران و دولت وقت به اجرا گذاشتند و زیر همه توافقات خود زدند به گونه ای که نتیجه ای مذاکرات دولت وقت با اروپا خروج شرکت ها از ایران، کاهش ۵۰ درصدی صادرات نفت ایران به کشورهای اروپایی و محدودیت بیشتر روابط بانکی حتی نسبت به قبل از خروج آمریکا از برجام بود.

واقعاً همه آن تلاش هایی که دولت روحانی کرد تا به اروپا بگوید ما دوست شما هستیم، چه نتایجی آورد و دیپلماسی با اروپایی ها چه آورده ای برای ایران داشت؟

در آن زمان که برنامه ی هسته ای ایران تعطیل شده بود و تهدید محسوب نمی شد و مسئله ی جنگ اوکراین هم از اساس وجود نداشت، بنابراین مسئله اروپایی ها چه بود که دقیقاً در تمام جزئیات، با نقشه آمریکایی ها برای محروم کردن ایران از حقوقش در برجام همراهی کردند؟!

اصلاح طلبان پاسخ دهند که واقعاً چه جای مقصر دانستن ایران در تعامل با غرب است؟

آیت الله العظمی نوری همدانی: شعار آزادی بیان در غرب همانند شعار حقوق بشر دروغی بیش نیست

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی
حرکت اخیر در کشور سوئد و سوزاندن
قرآن کریم را محکوم کرده گفت: شعار
آزادی بیان در غرب همانند همان
شعار حقوق بشر، دروغی بیش نیست.
حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی،
در ابتدای درس خارج خود که در مسجد
اعظم قم برگزار شد، حرکت اخیر در
کشور سوئد و سوزاندن قرآن کریم
را محکوم کرده و گفتند: آنچه مسلم
است این اهانت از آن جهت است که با
منطق و استدلال نمی تواند درآید.
این مرجع تقلید بیان کرد: این جسارت
را انجام می دهند و نتیجه دیگر این



ترور و تخریب به شکست انجامید لکن یک برنامه دیگر آشکار شد و آن موضوع «اعتراض» بود.

اعتراض

اعتراض یک امر طبیعی است و یک حق است اگر طبق موازین و مبانی انجام گیرد. اعتراض قواعد و ضوابط خود را دارد. در این سالها همه نوع اعتراض را داشته ایم از نشریات، تا مواضع افراد و چهره ها تا صحن مجلس و شوراها تا میز گردها و نشست های مطبوعاتی و خبری تا تجمع های جلوی مجلس یا قوه قضائیه یا سازمانها. اما اعتراض غیر از اغتشاش و قانون شکنی است. اغتشاشگر، یعنی آن که امنیت عمومی و مردمی را بهم می زند و آشفته گی ایجاد می کند. همه قبول دارند که اعتراض نهفته در اغتشاش، اعتراض نیست طغیان و سرکشی است. قانون شکنی به هر شکلی باشد هر عنوانی که بر آن بگذارند جرم است و در شرع قانون شکنی، گناه و عصیان است و اعتراض محسوب نمی شود.

توطئه اعتراض

اما گاه توطئه براندازی، یا قانون شکنی یا ارتکاب گناه و جرم را با پوشش اعتراض انجام می دهند. این از اغتشاش بدتر و زشت تر است زیرا فریب و توطئه و حیل گری در آن است. در فتنه ۱۴۰۱، از همان آغاز شکست فتنه، عنوانی مطرح شد بنام اعتراض. اغتشاشات فتنه را تقسیم کردند به اعتراض که آن را ادامه دادند و اغتشاش که همین تقسیم کنندگان فتنه، از آنها عوامل آنها حمایت های گوناگون کردند و می کنند. استکبار و رسانه هایش از این اعتراض و معترضین حمایت جدی کردند و آن را ادامه می دهند.

تحلیلگران تحلیل های متفاوت دارند:

- ۱- برخی آن را اعتراض واقعی مردم به گرانی ها و مشکلات معیشتی تحلیل می کنند و ناراضیاتی از تورم و مشکلات اقتصادی را عامل اصلی اعتراضات می دانند.
 - ۲- بعضی آن را اعتراض مردمی نمی دانند اعتراض کسانی می دانند که به دلایل مختلف سیاسی، عقیدتی و حتی غریز دگی، دچار نابسامانی روحی و تحلیلی هستند.
 - ۳- عده ای از تحلیلگران آن را اعتراض مخالفان دولت و عناصر مسئله دار می دانند.
 - ۴- جمعی هم این اعتراض را امتداد فتنه ۱۴۰۱ می دانند که همراه با فتنه براندازی و اغتشاشات، آن را برای توجیه فتنه گران و اغتشاشگران و عناصر همراه و حامیان لیبرال فتنه مذکور توسط استکبار و طراحان فتنه ۱۴۰۱ می دانند.
- واقعیت اینست که اعتراض در همه زمینه های بالا وجود دارد و لذا رفتار هر یک اقتضاء خود را دارد.
- ۱- درباره مردم معترض به مشکلات اقتصادی، دولت باید سعی کند با تغییر مدیران نابلد و کم توان، و بکارگیری چهره های متخصص و تجربه آموخته و مردمی، رضایت مردم را جلب نماید.
- این نوع اعتراض هرگز در خدمت فتنه و بیگانگان عمل نکرده و نخواهد کرد.

۲- در این بخش اعتراض ها دارای اثر نیستند.

۳- در بخش مخالفان دولت، پاسخگویی متین و اقناعی برای مخاطبان، راهگشاست.

درباره اعتراض - امتداد فتنه

در این مورد مرحله اول کار تبیینی برای مردم است که در جهاد تبیینی دولت و مسئولان ذیربط و همه یاران نظام و انقلاب، باید کار تبیینی و اقناعی داشته باشند تا ساد اندیشانی که تحت تاثیر قرار بگیرند از فتنه گران و امتداد آنها جدا شوند.

در مرحله دوم، شناسایی عناصر حامی فتنه ۱۴۰۱ و فتنه گران و همدستان آنها در هر جا و جایگاهی که هستند و چاره تدبیر آنها، بنحوی که استکبار جهانی دچار ناامیدی و مایوس شوند.

اعتراض اگر بنزین به آتش فتنه و فتنه گران بریزد همدستی با بیگانگان و دشمنان اسلام و ایران است.

اعتراضی در امتداد اغتشاشی و فتنه

فتنه ۱۴۰۱ از داخل کشور شروع یا مدیریت نشد، از خارج توسط استکبار جهانی، (آمریکا - انگلیس - فرانسه - صهیونیست ها - سعودی ها، و حمایت و اجرا توسط گروه های منافقین - کومله و دمکرات، و سایر عوامل مرتبط با آمریکا طراحی شد برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، از طریق کودتای شهری، اغتشاشات، تبلیغات، جنگ ترکیبی، برهم زدن امنیت، تضعیف نهادهای حاکمیتی و ایجاد تردید در بین مردم. طراحی این تجهیز جهان سلطه گر، ۲ سال طول کشید و با ارسال اسلحه فراوان و تجهیزات اغتشاشات به داخل کشور، از راه کردستان عراق توسط پ ک ک، و عناصر وابسته به آمریکا در مرز بلوچستان و شبکه سازی از اراذل و اوباش شبیه ۲۸ مرداد ۳۲ و زنان آلوده و فاسد مشابه پری بلند در کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد و بهره برداری از مشکلات معیشتی مردم، استکبار به قدری از این تجهیزات همه قدرت های خود مطمئن بود که بایند و مکرون و وزارت خارجه انگلیس و شبکه های رسانه های استعماری، با صراحت حمایت خود و در واقع دخالت خود را از اغتشاشگران ایران اعلام کردند. استکبار هر آنچه از ذهنیت خود و عوامل خود فروخته داشت به اجرا در آورد و ظرف کمتر از یک هفته شکست سنگینی خورد. مشخص شد ملت ایران با آنها نیست و مقابل بر گشت آمریکا به ایران مقاومت جدی دارد. معلوم شد گروهک ها از منافقین و ضد انقلاب فراری، و عناصر پنهانده به غرب و گروهک های دیگر، بی پایه تر و بی عرضه تر از آنچه غرب می پنداشت، هستند. دروغ پردازی و شایعه سازی و دلقک بازی های رسانه های استکباری و مزدور به سرعت آشکار شد و ابزار بر نامه های طنز و خنده و پوز خند ایرانیان شدند. شبکه سازی در تعدادی از شهر های ایران که در اغتشاشات چند ده نفره تعداد و توان محدودی را به نمایش گذاشتند، حکایت از ناتوانی آنها داشت.

معلوم شد سازمان منافقین جایگاهی ندارد در حالی که آمریکایی ها خیلی به آنها بها دادند و زن آلوده ای که به شوهرش خیانت کرد و به عنوان همسر مسعود جوی، چندین سال است باز یگر نمایش رهبری سازمان نفاق را بعهده دارد، به عنوان رئیس جمهور معرفی کردند. اگر در اغتشاش ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، تعدادی عناصر فریب خورده و معتقد به سازمان را آمریکا به صحنه آورد این بار نتوانست کسی را بطور اعتقادی به صحنه بیاورد و تنها با پول د لاری، عده ای خود فروخته را به اغتشاش آورد و آنها هم جز چاقو کشی و آدم کشی بیرحمانه، و ناسز و افشش دادن به مردم، نتوانستند کاری از پیش ببرند. نظام با تدبیر و حوصله عمل کرد و تمام برنامه های توطئه را خنثی نمود.

تبلیغات

مهمترین ابزار این فتنه تبلیغات بود. از جوسازی و سوء استفاده از یک زن جوان کرد که از قبل برای او عناوین دختر محبوب ایران، تصویر گرافیتی، مقاله نویسی، سوء استفاده از قومیت گرایی و تحریک گشت ارشاد تا تاسیس شبکه فعال اینترنتی نشان سعودی، تهیه محتوای رسانه های گوناگون بی بی سی - سی ان ان - من و تو و غیر اینها، هماهنگی بین آنها توسط اتاق های فکر در استکبار جهانی کار گسترده ای بود. تبلیغ های در سال ۱۴۰۰ زمینه سازی می کرد. تابستان داغ!! - آبان قرمز!! و امثال آنها که نتوانستند حادثه ای پدید بیاورند. پس از شکست برنامه اغتشاشات، برنامه دروغ سازی و ایجاد فضای ناامیدی، تردید، اخبار دروغین و تخریب مقدسات که در جریان تهاجم به ولایت فقیه و ستون نظام اسلامی، هماهنگی بین نشریه استکباری شارلی ابدو و شعار های ضد ولایت در ایران، همدستی داخلی ها با استعمار گران غربی را آشکار کرد. این طرح هم به شکست رسید، همانطور که